

درباره ورزش باستانی زورخانه نوشته های کمی وجود دارد. این نوشته ها تنها به بررسی تاریخچه زورخانه و اسامی ورزشکاران قدیمی اکتفا کرده اند. ولی موسیقی زورخانه را در نظر نداشته اند.

شکی نیست که وظیفه موسیقی (و در درجه اول ضرب) در همراهی کردن ورزش زورخانه، با استفاده از انواع وزنه های آن بی اندازه حائز اهمیت است. می توان ادعا کرد که بخشی از ورزش باستانی را تشکیل می دهد. بر مبنای بعضی از سفرنامه ها و تصاویر موجود در آنها گویا علاوه بر ضرب، برخی از سازهای دیگر مانند نی، سه تار و غیره در همراهی ورزش نیز رول عمده ای را عهده دار بوده اند.

لازم می دانم در جمع آوری و تهیه این نوشته از کمکهای استادان محترم آقای دکتر هرمز فرهت و آقای دکتر مسعودیه تشکر کنم و همچنین از آقای محمد اسمعیلی که در جمع آوری ریشم ها کمک مؤثری به بنده کرده اند نهایت سپاسگزاری و تشکر را دارم.

مطالب رساله مزبور در درجه اول استنادی از کتاب «تاریخ ورزش باستانی ایران» تألیف آقای حسین پرتویضانی است، علاوه بر این درباره خصوصیات کلی ورزش باستانی زورخانه مطالبی در رساله آورده شده است که آنها را ورزشکاران باتجربه و با سابقه به نگارنده توضیح داده اند.

ورزش باستانی قبل از اسلام:

از عملیاتی که اکنون به نام ورزش باستانی در زورخانه های قبل از اسلام انجام می شود تاریخچه دقیقی موجود نیست. چون در کتیبه ها و آثار تاریخی و همچنین در اکتشافاتی که به مرور ایام صورت گرفته نمونه هایی از موجودیت چنین ورزشی دیده نشده، ضمناً در تواریخ باستانی قبل از اسلام که مولفین آنها با آن دوران نزدیکتر بوده اند و شرح عملیات و نبردهای جنگی ضبط و گردآوری شده است، اثری از وجود ورزش باستانی مشاهده نشده ولی باتوجه به دلایلی عملیاتی از قبیل تمرینات سنگین جهت آمادگی جنگی و مقاومت در برابر دشمن انجام می گرفته است.

گروهی معتقدند که انجام این حرکات برای تقویت عضلات و حفظ سلامتی بوده ولی صاحب نظران این ورزش می گویند اگر مقصود از این اعمال چنین بوده نیازی به تمرینات سنگین از قبیل سنگ گرفتن، کباده کشیدن و میل گرفتن و غیره نبوده است. بلکه می توانستند حرکات ساده و سبکی مانند انواع نرمشها انجام دهند:

توضیحات مختصری در این باب:

۱- تشابهی که بین آلات و ادوات ورزش زورخانه ای به چشم می خورد نشانه ای از وجود چنین ورزشی در قرون گذشته است. میل و کباده، به گرز و کمان شبیه است. و همچنین ضرب زورخانه که تشابهی به طبل داشته و برای جنگ مورد استفاده قرار می گرفته است.

۲- نام آلات ورزش باستانی (از قبیل کباده و زورخانه) فارسی است کلمه کباده در زبان فارسی قدیم به معنای کمان نرم برای تمرین بوده است.

۳- یکی دیگر از دلایل وجود ورزش زورخانه ای در قرون قبل از اسلام کشتی گرفتن است کشتی خود یک نوع ورزش قدیمی است و بنا بر این وجود ورزش باستانی در آن دوران مسلم به نظر می رسد.

۴- اصولاً ورزش زورخانه ای را جهانیان به نام ایران می شناسند چون در دیگر کشورهای جهان سابقه ای از این ورزش در دست نیست و اگر در کشورهای از قبیل افغانستان، عراق و هندوستان آثاری از این ورزش دیده می شود به این دلیل است که کشورهای فوق سابقاً تحت سلطه امپراطوری ایران بوده اند و بر اثر گسترش ورزش باستانی در گوشه و کنار سرزمین پهناور ایران قدیم (بعدها که این کشورها هر یک بنا به عللی مجزا و مستقل شده اند) نمونه هایی از این ورزش کم و بیش در این کشورها باقی مانده چنانکه در هندوستان با وسیله ای که شبیه میل زورخانه است، علاقمندان در خانه های خود ورزش می کنند و نام آن را «مکدار» می گویند و نمونه دیگر هم خاکی است که موقع کشتی گرفتن بر زمین می ریزند تا از صدمات بزرگ جلوگیری شود و این همان خاک کشتی است که سابقاً به جای

موسیقی

بخش اول

موسیقی ردیف و دستگاہی
موسیقی در ایران

• ابوالقاسم داروغه کاظم در زورخانه

تشک کشتی از آن در ایران استفاده می شد.

۵- در قوای جنگی (ارتش) ایران قبل از اسلام به کلماتی از قبیل پهلوان، جهان پهلوان و پهلوان پایتخت و نوحاسته برمی خوریم که هر یک معنای خاصی داشته بطوریکه مثلاً به مبتدیان و کسانی که هنوز به نام پهلوانی نرسیده بودند لقب نوحاسته اطلاق می شد و همچنین کسانی که سپهسالاری قوا را عهده دار بودند و شجاعت و لیاقت خود را در جنگها ثابت می نمودند، جهان پهلوان یا پهلوان پایتخت نامیده می شدند.

«گفتار دوم»

چگونگی آمیخته شدن ورزش باستانی با صوفیگری:

از آنچه که راجع به ورزش باستانی ایران در کتب مختلف می خوانیم چنین نتیجه می گیریم که ورزش فوق قبل از اسلام به صورتی وجود داشته که بعد از اسلام بعلمت رواج صوفی گری ورزش زورخانه ای نیز به تصوف آمیخته شده است.

ولی عده ای معتقدند که این آداب و رسوم از زمان صفویه وارد زورخانه شده، ولی می بینیم که صفویان از صفت بخشش و کرم که ذاتاً در خون ایرانیان وجود دارد بهره مند بوده اند و این صفت خود نیز جزئی از شعب ۵گانه تصوف است و صفات دیگری مانند طهارت، بردباری، ترک لذت، اجازه خواستن که در تصوف بکار می رود و همچنین کلمه «سردم» نشان می دهد که این ورزش سابقه ای قبل از زمان صفویان داشته است.

یکی دیگر از علائم نفوذ تصوف در ورزش باستانی شباهت تکیه ها و خانقاه ها به زورخانه است و دیگر اینکه پهلوانان بزرگ و نامداری قبل از دوران صفویان می زیسته اند که مشهورترین آنها محمود پوریای ولی است که بوسیدن خاک گود زورخانه توسط او نشانه ای از احترام به این ورزش است. بنابر این می بینیم که این ورزش قبل از صفویه نیز رواج داشته است و از دلائل دیگری که وجود این ورزش را قبل از دوران صفویه ثابت می کند شروع و ختم ورزش با نام مبارک حضرت علی علیه السلام است که در عهدحکومت اهل تسنن

قبل از صفویه کمتر رواج داشته و از دوران صفویه که تشیع در ایران رونق و اعتبار فراوانی یافت بیشتر بکار می رود. از دیگر مراسم ورزش باستانی برهنه شدن است که سابقاً برای ابراز نهایت از خود گذشتگی در موقع جنگ عربان به میدان می رفتند و فقط لنگی به کمر می بستند بطوریکه اکنون هم می بینیم بعد از گذشتن بیش از هزار سال هنوز هم هنگام شروع عملیات ورزش باستانی، برهنگی از اصول اولیه است و چنانچه ورزشکاری با لباس وارد گود زورخانه شود، عمل او بی احترامی و بی بی اطلاعی و بی توجهی نسبت به این ورزش به شمار می رود.

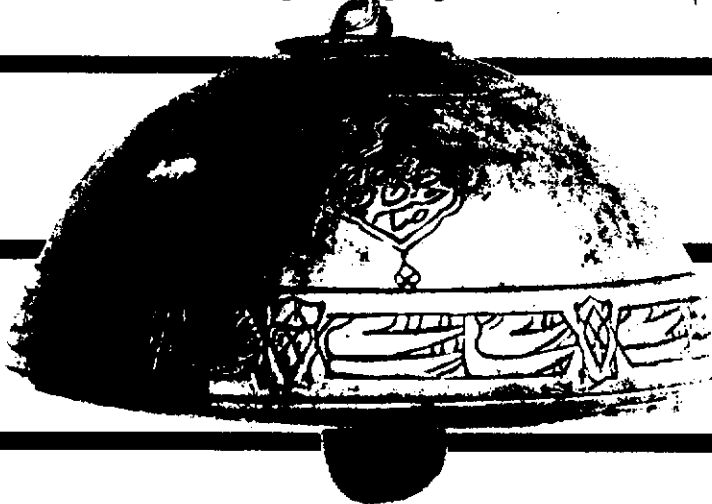
رسم دیگری که در حدود ۳۰۰ سال قبل بین پهلوانان زورخانه رایج بوده، بستن پیش بندی چرمی بنام «نطع» بوده فقط پهلوانان نامدار می توانستند از آن استفاده کنند و طبقه شطاران هم موقع جنگ پیش بند چرمی به خود آویزان می کردند. عیاران و شطاران در فارسی به ترتیب کثیرالتردد یا (رفت و آمد کننده زیاد) و دومی به معنای زیرک و حیله گر و همچنین یتیم به کار می رفته است. شلنگ اندازی هم که تا ۳۰ - ۴۰ سال قبل در زورخانه ها رواج داشته، توسط شطاران قبل از دوره صفویه هنگام ورزش انجام می شده است.

برای ما کاملاً معلوم نیست که صفات عیاری از ایران به عراق یا از عراق به ایران سرایت کرده ولی آنچه مسلم است این عده بمرور ایام صفات نیک خود را از دست داده و به تدریج بکارهای زشتی از قبیل راهزنی و غارتگری پرداختند. صفت عیاری در حدود قرن ۱۱ هجری از ایران رخت بریست ولی صفت شطاری که شغل شاطری باقیمانده ای از آن است تا اواخر قرن ۱۳ هجری در ایران دوام یافت.

«گفتار سوم»

فتوت (جوانمردی) و چگونگی ارتباط آن با ورزش باستانی:

فتوت در لغت بمعنای جوانمردی است ولی کلمه فتی که از مشتقات آن است به کسی اطلاق می شود که طبعش به دشمنی آلوده نگردیده و به صفات نیک خداوندی موصوف



باشد. بطور کلی فتی به کسی گفته می شود که از درنده خونی و وحشیگری دور باشد و همچنین بمعنای داشتن صفات نیک و رزی آوری به اخلاق پسندیده است و در داستانها این چنین نقل است که حضرت ابراهیم علیه السلام مظهر فتوت بوده و او را به همین مناسبت ابوالفتیان می خواندند چون او اولین کسی است که رسم میهمانی را بنیان گذاشت و بعد از او این سنت به یوسف صدیق و پس از یوسف نوبت انبیاء و اولیاء و دوستان یکدل بود و سرانجام به سید کائنات حضرت محمد بن عبدالله (ص) رسید و درباره این صفت نیک نسبت به او و بعد از او به حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) در قرآن اشاره شده است و همچنین پس از امیر المؤمنین حضرت علی بن ابیطالب (ع) این صفت را در وجود فرزندان ارمان داده است.

بنابر این همه جوانمردان از حضرت علی علیه السلام پیروی می نمایند و اصول فتوت را هشت قسمت دانسته و به این شرح است:

۱- وفا ۲- صدق ۳- امن ۴- سجا ۵- تواضع ۶- نصیحت ۷- هدایت ۸- توبه و محصول آن نیز بر چهار قسم است:

۱- عفت، ۲- شجاعت، ۳- حکمت ۴- عدالت: که هر یک از این صفات نیز از چند شاخه تشکیل یافته و برای آموزش فتوت نیز هفت شرط لازم است تا شخص برای فراگیری این صفت آماده شود:

۱- ذکورت، ۲- بلوغ، ۳- عقل، ۴- دین، ۵- صحت بنیه و استقامت، ۶- مروت، ۷- شرم و حیا.

قدح نوشیدن و میان بستن و سراویل پوشیدن از رفتار و کردار فتیان بوده که قدح نوشیدن بمعنای مخلوط نمک و آب بوده و چون در قدیم نمک ارزش زیادی داشت میان بستن که منظور از آن غلبه بر نفس و تمرین برای آمادگی و شجاعت در هنگام جنگ است.

همچنین سراویل پوشیدن در فارسی قدیم بمعنای شلوار پوشیدن و مفرد آن سروال است و اشاره به پاکی و پوشانیدن عورت است. چون اولین رکن فتوت عفاف و پاکی است.

«گفتار چهارم»

ساختمان زورخانه و اداره کنندگان آن:

بدرستی معلوم نیست که ساختمان زورخانه های فعلی از چه زمان آغاز شده ولی آنچه مسلم است اینکه ساختمان تکایا و خانقاههای صوفیان از قدیم شباهت زیادی به زورخانه های فعلی دارد.

ساختمان زورخانه:

شکل زورخانه های قدیمی که تاکنون باقیمانده بناهی سرپوشیده است که در وسط آن گودی کنده شده و در اطراف آن غرفه ها و جایگاههایی برای لباس کنی و گذاشتن آلات و اسبابهای ورزش باستانی است و همچنین برای نشستن

کسانی که قصد تماشا دارند در نظر گرفته شده، در یکی از غرفه ها که در نزدیک زورخانه قرار دارد سکونی بنام سردم برای نشستن مرشد زورخانه قرار دارد. سقف اصلی زورخانه که بالای گود قرار دارد از قسمتهای دیگر سقف بلندتر است و روی آن پنجره ای قرار دارد که به وسط گود روشنایی بیشتری می دهد. گود زورخانه گاهی به شکل مربع و گاهی شش ضلعی است و به لبه گود چوبهایی نصب شده که در اثر برخورد دست یا بدن یا پای ورزشکاران و یا جست و خیز آنان به هنگام ورزش ریزش نکند، کف گود را هنگام کشتی گرفتن با تشک مخصوص می پوشانند اما باید دانست که وقتی روی تشک کشتی می گرفتند منظور تمرین و آمادگی برای مسابقه بوده است و زمانی که مسابقه ای در جریان بود از تشکها خبری نبود بلکه با پوشیدن آب به کف گود که برای نرم کردن گود انجام می شد مسابقه های جدی را برگزار می کردند. در زورخانه های قدیمی که در اصفهان و کاشان و قم وجود داشته علائمی دیده می شود که عمر این زورخانه ها را تا حدود ۲۰۰ سال می توان حدس زد. از قبیل زورخانه ای واقع در محله «پشت مشهد» در کاشان که درب ورودی آن در راه پله های یکی از آب انبارهای عمومی قرار دارد. بعضی از این زورخانه ها به علت نداشتن مالک و متصدی مشخصی بصورت بنای خیریه یا موقوفه درآمده است. اما زورخانه هایی هم وجود داشته که برای اجاره دادن و استفاده مادی ساخته شده که خیلی زود از بین رفته است.

سردم زورخانه و مراسم آن:

«سردم» زورخانه سکوی دایره یا مربع شکلی است به ارتفاع حدود یک متر یا کمی بیشتر که مرشد روی آن می نشیند. جلوی سردم چوب بستنی است که روی آن زنگی قرار دارد و چند پر قو برنگهای سفید و سیاه نیز بالای آن نصب شده و گاهی چیزهایی از قبیل پوست پلنگ، زره، شمشیر و سپر هم روی چوب بست مقابل سردم آویختند ولی به مرور زمان نصب زره و شمشیر از بین رفته است.

در جلوی سردم اجاقی قرار دارد که از آن برای گرم کردن تنبک و همچنین طبخ مخلوط زنجبیل و دارچین که معمولاً پس از پایان ورزش به ورزشکاران می دهند استفاده می شده است.

البته مخلوط زنجبیل و دارچین که بدان اشاره شد برای تغییر ذائقه و رفع رطوبت ناشی از کف گود نیز هست. در حال حاضر به جای اجاق فوق از منقل آهنی یا برقی استفاده می شود. از تاریخ و رسم سردم بستن و اینکه چگونه سردم به وجود آمده اطلاع صحیحی در دست نیست. جایی آن را سر خوانند و در جای دیگر آن را مرد بلدآواز معنی کرده اند. در قهوه خانه های بزرگ یا غرفه های تکایا سردهمایی که از ۱۷ فقره آلات و اسباب تشکیل شده بود آن را هفده سلسله می خواندند. این سردم ها که بطرز جالبی بر در و دیوار

آویخته می شد عبارت از اشیاء زیر بود:

ضرب زورخانه که در کارگاههای کوزه گری ساخته می شود. عبارت از تنبک یا دمبکی است که از گل پخته و پوست آهو تشکیل می شود و با کف دستها نواخته می شود و نوازندگی آن کار مشکلی است.

به همین علت معمولاً کف دستهای ضرب گیر همیشه پینه می بندد. سابقاً ضرب گیرها به انگشت های خود انگشتانه می کردند و هنگام کار غیر از انگشت ابهام برای سایر انگشتان از آن استفاده می کردند. طول هر انگشتانه باندازه یک بند انگشت بود و در این صورت دیگر نوک انگشتان آنها هنگام ضرب گرفتن صدمه نمی دید. در قدیم از ضرب های کوچکتری هم که به آن دمبک تعلیم می گفتند و برای ورزش مبتدیان به کار می رفته و همچنین وسائل دیگری از قبیل نی و تونک که آن هم شبیه نی بوده و در زورخانه ها می نواختند مورد استفاده قرار می گرفته است. ولی اخیراً این وسائل از بین رفته است. در حال حاضر نواختن ضرب در زورخانه به عهده کسی است که به او «مرشد» می گویند.

در قدیم به کسانی که مسئول تعلیم در زورخانه بودند کهنه سوار یا مرشد می گفتند و این نام کهنه سوار تا ۳۰-۴۰ سال قبل هم در زورخانه ها شنیده می شد، ولی فعلاً دیگر اثری از آن نیست و خلاصه این که در قدیم ضرب گیر و مرشد دو نفر بوده اند ولی فعلاً هر دو یکنفرند. مرشدها سابقاً اغلب از بین ورزشکاران قدیمی انتخاب می شدند و معمولاً ذوق موسیقی داشتند و اهل شعر بودند و از رموز و فنون کشتی و سایر ورزش ها مطلع بودند از مرشدهای معروف قدیم یکی «مرشد رستم» مرشد زورخانه پهلوان یزدی بزرگ بوده که در سقاخانه نوروزخان تهران بوده است و نقل است که خوب بلندی داشته و اشتباهات و خطاهای احتمالی ورزشکاران را با اشاره خوب به بدن آنها یادآوری می نموده. دیگر مرشد «عبدالوهاب» است که می گویند در جوانی پهلوانی نیرومند بوده و در کاشان زندگی می کرده است و دیگری مرشد «علیجان تهرانی» است که مدتی از فوت او می گذرد.

از مرشدهای معاصر یکی مرحوم «مرشد ماندعلی ورزنده کاشانی» است، که او علاوه بر آنکه کشتی گیری معروف بود در موسیقی و نواختن سنتور نیز درجه استادی، داشت. بعد، آقای جعفر شیرخدا که او هم در این راه زحمات بسیاری کشیده و در موقع بیان اشعار، شنونده را کاملاً تحت تأثیر قرار می داد. دیگر مرشد کاظم جباری است که خود زورخانه ای در کوچه غریبان که یکی از محلات قدیم تهران است داشته و ضمناً در زورخانه بانک ملی هم انجام وظیفه می نموده است. علاوه بر این می توان مرشدهای دیگری از قبیل آقای فلامحسین خرمی صاحب ورزش خانه طلاچی واقع در خیابان ری تهران و مرشد حسین که از مرشدهای معروف تهران بوده و مرشد حاجی خان و مرشد علی قدرخان را نیز نام برد.

کنده و مشتته کفاشی اره و تیشه نجاری، پتک و کوره آهنگری، ماله و تیشه و شمشه بنایی، ناوه گل کشی، رنگها و زینت های مخصوص ستر، کمان و چرخ و مشتته حلاجی، تیغ و لنگ و آئینه سلمانی، انبر و سیخ و سایر لوازم نانوایی، کنده و ساطور قصابی، گاز و انبر و نعل تراش نعلبندی، قلم و تیشه سنگتراشی، میل و مشتته پالان دوزی، مشک و نطع سقایی، علم و نخل کوچک غزاداری، میل و کباده و ضرب (تنبک) زورخانه پره های سیاه و سفید و زره و شمشیر و سپر و خود (یک نوع کلاه) و همچنین مظاهر درویشی از قبیل پوست تخت، شاخ نفیر و رنگ و زنجیرهای بزرگ و کوچک درویش و تاج درویشی که در بهترین محل سردم نصب می شد در طرفین مردم دو دستگاه کوزه درویشی برپا می شد که به شکل کله قند و به ارتفاع دو متر بود و جنس آن آجری یا خشتی بود و جدار خارجی آن را با گچ سفید می کردند، اصولاً این کوزه ها کمتر برای طبخ غذا به کار می رفت و بیشتر از آن را برای سوزاندن چوب یا فتیله های خوشبو استفاده می کردند. و در خلال انجام مراسم دود ضعیفی از آن برمی خاست و چون در دوران قبل از اسلام آتش برای ایرانیان مقدس بود ممکن است این رسم از دوران قبل از اسلام بجا مانده باشد. برای روشن نگهداشتن دائمی سردم، سردم دار پولی از مردم دریافت می کرد که به نام «چراغ سردم» بود و کم کم این اسم به چراغ تغییر یافت.

آویختن زنگ سردم زورخانه و علت آن:

در مدخل صحن بعضی از امامزاده ها زنجیری به شکل مثلث می آویختند و در رأس آن زنگی می بستند مانند زنگی که در انتهای سر درب مسجد امام خمینی (مسجد شاه سابق) تهران است که ظاهراً هیچ مناسبتی با مسجد ندارد.

در قدیم پهلوانان و شاطران که در فن خود به درجه کمال می رسیدند زنگهایی به بازوی خود می بستند که بیشتر برای نظاهر به قدرت و جلب توجه مردم بوده و چون زورخانه هم به منزله خانه پهلوانان بوده، همان زنگی را که پهلوانان به بازوی خود می بستند در این خانه نیز می آویختند و در حال حاضر نیز در بالا سر محل نشستن مرشد در سردم زنگ پهلوانی می آویزند.

تعلیم دهندگان زورخانه: مرشد، کهنه سوار، ضرب گیر:

تنبک یا ضرب اولین وسیله ای است که در هنگام ورزش باستانی مورد استفاده قرار می گیرد و چون موجب تنظیم حرکات مختلف ورزشی است و همچنین ورزشکاران را تحریک و تشویق به ادامه ورزش می کند دارای اهمیت خاصی است.

تنبک یا ضرب در زورخانه مانند طبل و شیپور در میدان جنگ باعث تقویت روحیه و تشویق ورزشکاران است.